

کارکردهای اساسی مجلس چهاردهم با تکیه بر نقش مداخله‌گرایانه شوروی و انگلیس از تشکیل تا انحلال

دلاور نامدار، علیرضا علی صوفی^۱، محمود سید^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

چکیده:

در روز ششم اسفندماه سال ۱۳۲۲، دوره چهاردهم مجلس شورای ملی آغاز بکار کرد. ریاست مجلس چهاردهم که از ادوار پر از تنش اما در عین حال قدرتمند مجلس را سید محمد صادق بر عهده داشت. از جمله کارهای او تأسیس حزب مردم و همچنین کمک به انتشار روزنامه صدای مردم بود. البته تاریخ به رسمیت شناخته شدن این دوره از مجلس، روز بیست و یکم اسفندماه سال ۱۳۲۲ می‌باشد. پژوهش پیش رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی، روزنامه‌ها، در پی پاسخ به این پرسش هست که عملکرد مجلس شورای ملی (چهاردهم) از ابتدای تشکیل تا انحلال با تکیه بر نقش شوروی، انگلیس و عملکرد فراکسیون‌ها چگونه بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دخالت سفارت شوروی در تهران در امر انتخابات بیشتر به این منظور بود تا پنجاه و پنج نفر نماینده از پنج استان تمامی کشور از میان کمونیست‌ها و دست نشانندگان دولت شوروی انتخاب شوند و به مجلس راه یابند. و تمام تلاش دولت انگلیس این بود که مانع انتخابات افرادی شوند که با دشمنان آن‌ها شریک هستند و با آن‌ها همکاری می‌کنند. همچنین فراکسیون‌های ایجاد شده در شروع به کار مجلس چهاردهم، نیز به اقتضای منافع شخصی تشکیل می‌شد. و این فراکسیون‌ها در بین نمایندگان خودشان وحدت نظر نداشته و مواضع آن‌ها بصورت دقیق و شفاف، مشخص نبود. در نتیجه کشمکش‌های سختی بین مجلسیان با یکدیگر و بین دولت‌ها و مجلس به وجود می‌آمد.

واژگان اصلی: مجلس شورای ملی (چهاردهم)، شوروی، انگلیس، فراکسیون، کمونیست.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ar.sofi@pnu.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مجلس چهاردهم یکی از رقابتی‌ترین مجالس ادوار بوده است به طوری‌که کشورهای انگلیس و شوروی در جهت منافع خود موضع‌گیری‌های خاصی اتخاذ نمودند. در این برهه سید محمد صادق طباطبایی، از جمله فعالان عرصه سیاست بود که در آبان ماه سال ۱۳۲۲ بعنوان رئیس انجمن مرکزی نظارت بر انتخابات تهران، کوشش‌های فراوانی را برای حفظ آزادی انتخابات در تهران به انجام رسانید. در نتیجه کوشش‌های سید محمد صادق طباطبایی و بقیه همراهان وی، کوششی در مردم پدید آمد تا اینکه انتخابات تا حدودی آزاد شود. به طوری که آقای علی سهیلی، نخست‌وزیر وقت در مصاحبه مطبوعاتی خود چنین بیان کرده است: «من به این نتیجه رسیدم که باید انتخابات کاملاً آزاد باشد تا مردم به حق مسلم و قانونی خود برسند».

طباطبایی از فرماندار تهران در آن زمان درخواست کرد که او را در انتخاب اعضای شعبه‌های انتخاباتی آزاد بگذارد و از نخست‌وزیر وقت و وزیر کشور درخواست کرد تا اعلامیه منتشر کنند که از طریق آن اعتماد مردم را برای شرکت در انتخابات جلب نمایند ولی هم نخست‌وزیر و هم وزیر کشور هر دو در زیر سلطه نمایندگان مجلس سیزدهم بودند که برای تحکیم جای خود در مجلس اندیشه‌هایی داشتند و گاهی مداخلات پنهانی در انتخابات به خصوص در شهرستانهای زادگاهشان انجام می‌دادند. همچنین در این دوران نماینده‌های مربوط به جنوب و شمال کشور نیز برای راهیابی به مجلس از موقعیت و حضور نیروهای بیگانه استفاده می‌کردند که تهدید جدیدی بودند اما در بیشتر حوزه‌ها، مبارزات انتخاباتی صورت جالب و خوبی داشت. در این بین طباطبایی مسئولیت انتخابات را برعهده دکتر اسماعیل مرزبان رئیس شعبه مرکزی سپرد. نکته حائز اهمیت این که در انتخابات صندوق‌ها مورد دستبرد اعضای انجمن‌ها و شعبه‌ها قرار نگرفت و همان آرایه‌ها که در داخل‌شان ریخته شده بود قرائت شد و در نهایت تهدیدها در انتخابات تهران تأثیر چندانی نداشت. در نهایت در روز ۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۲۲ نتیجه انتخابات از جانب فرمانداری تهران اعلام گردید که در این میان طباطبایی نفر دوم برگزیدگان تهران بود.

نفوذ دولت سهیلی در انتخابات مجلس چهاردهم

در دولت سهیلی در حالی که کشور در اشغال نیروهای متفقین بود فرمان انتخابات برای دوره چهاردهم مجلس شورای ملی صادر گردید. (خامه ای، ۱۳۷۷: ۲۱۰) که این اولین انتخابات آزاد پس از ۲۰ سال بود اما دخالت دولت در بعضی از حوزه‌ها و علاقمندی سفارت شوروی و سفارت انگلیس

نسبت به انتخاب بعضی افراد مورد نظر این آزادی را در برخی از زمینه‌ها غیر ممکن می‌ساخت با این که این انتخابات، انتخاباتی آزاد بود اما همچنان مأموران دولتی با تهدید کارکنان خود از مردم می‌خواستند که به خواسته آن‌ها برای انتخابات رأی داده و فرد مورد نظر آنان را انتخاب کنند در نهایت پس از بسیاری از کنش‌ها انتخابات آغاز گردید و تنها تهران از صندوق سازی‌های قابل ملاحظه، به دور ماند. (دشتی، بی تا: ۲۴۵) البته اکثریت را سفارت انگلستان، دربار و دولت روانه مجلس کردند با این حال دولت سهیلی برای اینکه بتواند با دستی باز در انتخابات دوره چهاردهم دخالت کند در اعلامیه‌ای در شهریورماه سال ۱۳۲۲ مقررات زمان جنگ را بر کشور تحمیل کرد. حفظ امنیت راه‌ها، خطوط تلفن و تلگراف و همچنین راه‌آهن را به ارتش واگذار کرد و بر طبق این اعلامیه هنوز تحریک و یا خرابکاری و همچنین هر نوع تعطیلی مشمول قوانین زمان جنگ در نظر گرفته شد با تمام این کوشش‌ها و صرف نظر از انتخابات در تهران در سایر نقاط کشور همچنان گروه و دسته‌های مختلفی بودند که در انتخابات مداخله می‌کردند و در نهایت بسیاری از صاحب نفوذان توانستند آراء بیسوادان و رعا یا را به نفع خود به داخل صندوق‌های رأی بیاندازند. (تقفی خراسانی، ۱۳۷۵: ۲۵۵)

همانطور که اشاره شد، انتخابات دوره چهاردهم مجلس در حالی انجام شد که قوای نظامی آمریکا، شوروی و انگلستان، ایران را زیر سلطه‌ی خود داشتند. در این دوران راه آهن سراسری کشور تنها مختص حمل مهمات و نیروهای آن‌ها بود. آذوقه‌ی مملکت نیز تحت نظارت آن‌ها بود و مردم اکثراً به علت کمبود شدید مایحتاج عمومی در نهایت سختی به سر می‌بردند. (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۱۹۸) مسئله اساسی انتخابات در دوره‌ی چهاردهم مجلس فعالیت بسیاری از افراد ذینفع جهت تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات بود که شامل عوامل دولت‌های خارجی و گروه‌های گوناگون نخبگان حاکم می‌شد.

سهیلی در ابتدای صدارت، تمام تلاشش را متوجه وزارت کشور ساخت تا انتخابات به نحوی که مطلوب سفارت انگلستان باشد انجام گیرد. (بدیع، ۱۳۷۹: ۲۱۲) به همین جهت وزارت خواربار را به سید محمد تدین سپرد تا با نرمش در برابر انگلیسی‌ها مواد مصرفی مردم را فراهم آورد. تدین با ترفندهایی سعی کرد که با جیره‌بندی مواد غذایی و مایحتاج عمومی مخارج عملیات آن‌ها را در انتخابات تأمین نماید. بدین ترتیب حواله‌های پول‌ساز در اختیار کسانی قرار گرفت که از سوی منابع قدرت سفارش می‌شدند. نظام کلی سهمیه بندی‌ها را مستشاران آمریکایی زیر نظر میلیسپو در هر استان تعیین می‌کردند و مأموران شوروی در شمال کشور و انگلیس در مرکز، جنوب و غرب نیز عملیات ویژه‌ای داشتند. تدین در رأس وزارت خواربار بی‌آنکه برای بیگانگان مشکل فراهم آورد مخارج

انتخاباتی دربار و عوامل سفارت را فراهم می‌نمودند. سهیلی پس از انتخاب تدین به وزارت کشور با کمک او در انتخابات دوره چهاردهم به صورتی مداخله نمود که مجلس را به صورت معجون افلاطونی‌ها درآورد. (علی بابایی خامنه، مجله تاریخ معاصر، ۱۳۸۱-۴۰۵)

دخالت بیگانگان در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی

در مورد دخالت انگلیسی‌ها در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، روزنامه‌ی کیهان چنین نوشته است: «با دخالت مستقیم مأموران انگلستان سیدضیاءالدین طباطبایی از صندوق یزد سردرآورد در حالی که موسوی زاده، قاضی دادگستری که در میان مردم نیز زمینه انتخاباتی داشت. توسط نیروهای انگلیسی توقیف شده و به زندان افتاد تا سید ضیاء راحت‌تر بتواند خود را به مردم شهر تحمیل نماید. (روزنامه کیهان، ۱۳۲۳، شماره ۵۵۵، ۹ دی ماه)

فرمانفرماتیان در کتاب خاطرات خود (خون و نفت) راجع به انتخابات که در آن زمان در کرمانشاه حضور داشته به مداخله انگلیسی‌ها و استناداری آنجا اشاره می‌کند و این چنین می‌نویسد: فلچر افسر نظامی انگلستان در کرمانشاه و استاندار، اشخاصی را که رأی‌ها را می‌نوشتند به خود متمایل ساخته بودند دولت دستور رأی‌گیری برای انتخابات را داد ولی در کرمانشاه کار چند روز به تعویق افتاد. (فرمانفرماتیان، ۱۳۷۷، ۱۹)

-مداخله شوروی

در کتاب خاطرات ایرج اسکندری در رابطه با مسئله انتخابات مجلس چهاردهم و دخالت سفیر شوروی در جریان کاندیداهای انتخابات چنین آمده است: «قبل از کنگره اول حزب که هنوز هیئت موقت بود ما می‌بایستی در انتخابات شرکت می‌کردیم. در این موقع سفیر شوروی در تهران ماکسیموف بود. او اصلاً گرجی بود و از طرف بریا و دار و دسته‌اش تعیین شده بود. البته این‌ها را من بعد فهمیدم. قبل از او سفیر اسمیرنوف بود که بلافاصله بعد از آمدن ارتش سرخ به ایران به این سمت برگزیده و منصوب شده بود. اسمیرنوف دیپلمات و سیاستمدار بسیار جالب و لایقی بود بطوریکه محمدرضا شاه در ملاقات با بولگانین به او گفته بود که شما یک سفیر عالی در اینجا داشتید که حیف شد او را برداشتید. چه خوب می‌شد سفیری که برای ما می‌فرستید از همان مایه و جوهر باشد و می‌خواهم بگویم که این شخص با اعمال و رفتار خودش طوری طبقات راست ایران را قاپیده بود که همه طرفدار او شده بودند کما اینکه شاه به عنوان نماینده این دسته از نخست‌وزیر شوروی می‌خواهد سفیری نظیر او به ایران بفرستد. ولی او را

عوض کردند و به همین دلیل به جای او ماکسیوف که قبلاً ژنرال قنصل شوروی در خراسان بود، و اهل گرجستان بود و از طرف بریا تعیین شده بود، گماردند. (اسکندری، ۱۳۶۱: ۱۴۳)

در آن دوران در کشور تا حدود زیادی زمینه برای دخالت و فعالیت روس‌ها مهیا بود (قاسمی، ۱۳۵۴: ۱۹۸) در نتیجه سفارت شوروی در تهران با علاقه‌ی بسیاری که در امر مداخله و تخاصم داشت فعالیت‌های زیادی را برای انتخابات آغاز کرد.

تظاهر روس‌ها با توجه به وضع طبقات پایین اجتماعی و اعتقاد از پیش یافته مردم طبقات پایین و محروم به فوائد روش کمونیستی و تبلیغات کمونیستی در بعضی از ایرانیان مؤثر افتاده بود و روس‌ها نیز درصدد یافتن قهرمانان ستم‌دیده‌ای از میان توده‌های محروم اجتماع به عنوان سردمداران و حامیان انقلاب خود علیه طبقه حاکمه ایران برآمدند. (چلونگر، ۱۳۸۲: ۱۵۹) دخالت سفارت شوروی در تهران در امر انتخابات به این منظور صورت می‌گرفت تا پنجاه و پنج نفر نماینده از پنج استان تمامی کشور از میان کمونیست‌ها و دست نشانندگان دولت شوروی انتخاب شوند و به مجلس راه یابند. حزب توده هم کاملاً برای انتخابات مهیا و بسیج شده بود. (مصلی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۵) در ایالات شمال ایران مقامات سیاسی و نظامی شوروی کاندیداهای غیرکمونیست و یا آنهایی را که عضو حزب توده نبودند مورد تعضیت و آزار قرار می‌دادند و بسیاری را نیز بطور غیرقانونی بازداشت و زندانی کرد. و یا از محل سکونت و یا حوزه‌ی انتخابیه خود بیرون کردند. اما با تمام کوشش‌های صورت گرفته، نتیجه‌ی انتخابات دوره‌ی چهاردهم مجلس شورای ملی برای دولت شوروی کاملاً غیرمنتظره و دور از انتظار بود، به این صورت که با تمام فعالیت و اقداماتی که انجام داده بود، فقط هفت نماینده از استان‌های شمال و یک نماینده نیز از شهر کارگری اصفهان به مجلس راه یافتند. (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۴۳)

- مداخله انگلیس

دخالت دولت متخاصم انگلیس در امور داخلی ایران ابعاد وسیع و گسترده‌ای دارد، که اعمال نفوذ در انتخابات مجلس شورای ملی یکی از این بخش‌ها می‌باشد. مقامات دولت انگلیس از هیچ پوششی برای انتخاب نمایندگان مورد نظر خود فروگذار نمی‌کردند. (چلونگر، ۱۳۸۲: ۲۴۶) انتخابات دوره سیزدهم بدلیل آنکه در آخرین روزهای سلطنت رضاشاه صورت گرفته بود، سفارت انگلیس در تهران امکان و فرصتی برای دخالت در آن نداشت، اما در دوره چهاردهم که در سال ۱۳۲۲ انجام می‌گرفت و وضعیت سفارت انگلیس گونه‌ای دیگر بود. به طوریکه بولارد در خاطرات خود چنین می‌نویسد، که از سوی وزارت خارجه انگلیس دستورالعمل رسید که ما به هیچ عنوان در انتخابات دخالت نکنیم اما در

واقعیت طور دیگری بود به طوری که دستورالعمل وزارت خارجه انگلستان برای کنسولگری‌های این کشور است در نقاط مختلف ایران به صراحت سریع به این مسئله اشاره دارند، بیان می‌کنند که ما باید توجهمان به طور کامل به انتخابات معطوف باشد و این مطلب را در نظر داشته باشیم که مانع انتخابات افرادی شویم که با دشمنان ما شریک هستند و با آنها همکاری می‌کنند و به صراحت بیان می‌کند که هر کاری انجام دهیم مثل ما مورد سوءظن قرار گرفته و متهم به دخالت در امور داخلی ایران می‌شویم پس به همین دلیل باید نهایت کوشش خود را به خرج داده تا از تظاهر به دخالت در امور داخلی ایران خودداری کنیم و در آخر چنین بیان می‌کند که تمام تلاش ما برای این است که در ایران دولت خوبی به روی کار آید (به نقل از ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۱۲-۱۱۳).

- مجلس چهاردهم و مطبوعات

بر اساس آنچه آبراهامیان در کتابش می‌گوید، سه روزنامه اصلی حزب مردم، رهبر، و رزم که هر سه را اعضای فراکسیون حزب توده منتشر می‌کردند رویدادهای روزانه پیچیده مجلس چهاردهم را از نزدیک پیگیری می‌کرد اعضای جبهه‌ی آزادی در بهمن ۱۳۲۲ چنان گسترش یافته بود که بیش از ۲۷ سردبیر روزنامه‌های کشوری و استانی را در برمی‌گرفت. (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۷۱)

تاریخ ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، رشد و توسعه احزاب و بروز تمایلات حزبی و سیاسی مطبوعات در ارتباط با احزاب، به صورت گسترده و فعال و همزمان به میدان می‌آمدند که برای نخستین بار در زمان مشروطه بود که این چنین اتفاق افتاد. با خروج رضاشاه از ایران با ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی ورود شخصیت‌ها و گروه‌ها و نیروهای سیاسی مختلف به عرصه سیاست کشور مطبوعات نیز با حضور بی‌سابقه‌ای وارد صحنه شدند. (طبری، ۱۳۵۶: ۴۰۱) در سال ۱۳۲۳، حزب توده جبهه‌ای از مطبوعات را با نام جبهه‌ی آزادی، که علاوه بر حزب توده ایران نشریات احزابی همچون حزب ایران، حزب احرار ایران و جمعیت رفیقان در آن مشارکت داشتند، تشکیل داده بود. حزب توده تعداد نشریات این جبهه را که در آغاز ۱۲ روزنامه بود در اوایل ۱۳۲۴، ۴۴ روزنامه یعنی نیمی از جراید آن زمان ذکر می‌کند. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۳۰۴)

در ادامه به بررسی برخی از این روزنامه‌ها و تأثیرات آنها بر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، می‌پردازیم:

- روزنامه رعد

روزنامه رعد در مقاله ایی که در روز دوشنبه پنجم دی ماه سال ۱۳۲۲ و در شماره ۵۰ منتشر کرد. در آن خطاب به نمایندگان مجلس چنین نوشته بود: (در اینجا برای حفظ اصل متن و جلوگیری از هرگونه دخل و تصرف در متن اصلی، نوشتار اصلی روزنامه را بیان خواهیم کرد.)

«اکنون روزهای فرارسیده است که اکثریت شما نمایندگان مجلس شورای ملی آینده ایران در تهران حضور بهم رسانیده و خود را برای ورود در محلی که سرنوشت میهن دلبندهان در آنجا تعیین می شود آماده و مهیا می سازید...»

اینک دقایق پراضطراب و حساسی نزدیک می شود که عده ای از شما برای نخستین بار در محل غیر مأنوس و نوینی باید قدم گذاشته و راز سعادت و خوشبختی آینده ایران را در آنجا جستجو کنید اکنون ساعات لرزان و پر از ارتعاشی پدیدار می گردد که زبان و قلب ملت به صدا درآمده و یک توده ستمدیده و رنج کشیده از زبان شما. شما نمایندگان مجلس چهاردهم حقوق خود را از چنگ خون آلوده و جنایتکار غاصبین گذشته به درآورد.

شما امروز نماینده ملت ایران هستید و تا آنجا که می دانیم در انتخابات عده ی زیادی از شماها چیزی جز اراده و تمایل ملت شرکت و تأثیر نداشته است و بنابراین از امروز که خود را انتخاب شده ی توده ایران می شمارید هیچگاه شانه از زیر بار قبول مسئولیت سعادت و بدبختی این کشور خالی نمی توان کرد. شما نماینده ی قدرت ملی هستید. شما اعضای نخستین مجلس هستید که پس از بیست سال حکومت ارتجاع و سلطنت استبداد و اختناق فکر و روح ملی بنا به میل وارده توده زنجیر و تیره بخت ایران تشکیل می شود و اقتدار قوه مقننه را که در ظرف این دوره سیاه پایمال سرنیزه های خون آلوده شده بود دوباره در دست می گیرید...

شما نمایندگان نخستین مجلسی هستید که دیگر امروز امر و فرمان غارتگران گذشته ی ایران در انتخابات شما دخالت نداشته و تنها اراده ملیت که نام شما را برای تعیین مقدرات خویش در دفتر حوادث ایام به ثبت رسانیده است...!

و بالاخره شما نمایندگان نخستین مجلسی هستید که پس از ۲۰ سال حکومت وحشت ترور سند استقلال و قبالة ملیت ما را بدست گرفته و از این پس در برابر دنیای آزاد و مبارزه کنونی می خواهید فریاد بزیند ما هم بشر هستیم...!» (روزنامه رعد، ۱۳۲۲: شماره ۵۰)

- روزنامه آژیر

این روزنامه در مقاله‌ای که در روز پنجشنبه ۱۷ شهریور سال ۱۳۲۲ در شماره ۲۴ خود منتشر کرده بود چنین نوشته بود: «این انتخابات نیست از تجارت هم بدتر است.»

در ادامه به بیان متن کامل مقاله منتشر شده در روزنامه مذکور خواهیم پرداخت:

از قراری که شنیدیم در گیلان، شیراز، اراک، آذربایجان، اصفهان و در اغلب شهرستان‌ها انتخابات را توقیف کرده‌اند. برای ما هنوز علت اصلی این اقدام سریع معلوم نیست چیزیکه نظر ما را جلب می‌کند تغییر وزیر کشور است از قدیم در کشور هرج و مرج و زورگویان مرسوم بوده است که هر کسی روی یک کار گماشته می‌شد او سعی می‌کند کار سلف خود را اعم از اینکه خوب یا بد باشد خراب بکند و از نو مطابق سلیقه‌ی خود دست به کار شود. شاید این کار اساسی هم روی همین رسم ساده روی همین کار حس شخصی و سلیقه خصوصی باشد. بهرحال از انتخابات این دوره هم چشم ما آب نمی‌خورد اگرچه مانند بعضی‌ها از قوم و خویشان خودمان کاندید نداریم و الحمدالله هوا و هوس شخصی و اصرار دوستان نتوانست ما را از راه بدر کند بنابراین موضوع را از روی حقیقت بینی نگریسته گفتیم در کشوری که تشکیلات حزبی منظم و درست و حسابی نیست تا پول نباشد سرمایه نباشد آرزوی نمایندگی یک فکر خام و یک خیال محال است از اشخاص لایق و کاردان درستکار و متدین هم هرکسی که با ما مشورت کرد گفتیم بیخود خودتان را سبک نکنید به شما راه نمی‌دهند اگر راست می‌گویید اگر عقیده و مسلک فکر دارید می‌خواهید پلیدی‌ها و زشتکاری‌ها را خاتمه دهید بروید تشکیلات بدهید، مردم با ایمان را دور خود جمع نموده زور پیدا بکنید پول پیدا بکنید، دست پیدا بکنید، رفیق پیدا بکنید آن وقت دست بالا زده هرکسی را که لایق و سزاوار می‌دانید به روی کار بیاورید انتخاب بکنید. این حقیقت بود، این صدای وجدان ما بود در جبهه‌ی آزادی هم علناً این را تکرار کرده و گفتیم آزادی خواهان طرفدار سعادت کشور و مردم ناچارند دور یک تشکیلات اساسی تمرکز کرده اقلماً همان دوازده نفر نماینده تهران را هم که باشد از میان خود کاندید بکنند. در خارج هم اشخاصی را که تصور می‌کردیم آزادی‌خواه هستند ملاقات کرده و نظر خود را با کمال وضوح و سادگی به میان گذاشتیم ولی با کمال تأسف در عمل می‌بینیم که هنوز از این مرحله فرسنگ‌ها دور هستیم، دیروز در ساوجبلاغ آقای دهستانی را با حقه و نیرنگ با پول و زور و چه و چه انتخاب کردند شاید علی رغم اعتراضات قانونی مردم ساوجبلاغ اعتبار نامه ایشان را هم پذیرفته و دوباره به کرسی مجلس بنشانند. البته اینبار زبان ایشان درازتر شد، عوض چراغ خواهند گفت باید نور پخش کن برداشته رضاخان را جستجو کنید.

امروز در دماوند در ورامین مسعودی‌ها مانند ریگ پول خرج می‌کنند. در خود تهران پولداران

دیگر مشغول بندوبست و خرید و فروش هستند. ملاکین دارند تهیه می‌بینند که دهقانان اطراف و نواحی شهر کشیده از آرای آن‌ها استفاده نمایند افسران از حالا در صدند که نگذارند شناسنامه‌های افراد ارتش بی‌استفاده بماند. سازمان‌های خلق‌الساعه عجیب و غریب روزنامه و شناسنامه و بیانیه‌های رسمی و غیررسمی جلو چشم ما است.

دولت هم نمی‌تواند بی‌غرض باشد البته رئیس دولت اعضای دولت هم بشوند بشر بسیار زیرک هم هستند اگر اینطور نبودند که نمی‌توانستند دولت بشوند. آن‌ها زیرچلیگی کار کنند بند و بست دارند و دستشان باز است وزارت خواروبار، قند و شکر، برنج دولت دست آنهاست ادارات و مقامات بزرگ و کوچک را آن‌ها در دست دارند ماها خیلی مردمان ساده‌ای بودیم اگر تصور می‌کردیم که آن‌ها از این وسایل بزرگ در امر انتخابات استفاده نخواهند کرد... .

توفیق انجمنهای نظارت را ما ساده نمی‌توانیم تلقی کنیم. این برای خاطر تلگرافات اعتراف‌آمیز نیست. شنیدیم آقای رئیس دولت این قبیل تلگرافات را نمی‌خواند و اگر هم بخواند ترتیب اثر نمی‌دهد گویا مسئله خیلی باریکتر است در اصفهان احتمال می‌رفت که کارگران متشکل اکثریت را ببرند در گیلان مخصوصاً در بندر پهلوی آزادی‌خواهان خیلی بیش بودند در جاهای دیگر شاید منظوره‌های دیگر دولت تأمین نمی‌شده است شاید همه‌ی این‌ها برای این بوده است که بتوانند فرصت پیدا کرده از هر محل برای کاندید خود زمینه تهیه نمایند...! (روزنامه آذیر، ۱۳۲۲: شماره ۲۴).

در ادامه نیز چنین بیان کرد: هر روز که از افتتاح مجلس تأخیر نماید بدست خود از قدرت و اعمال نفوذ مشروع قوه‌ی مقننه در اداره امور کشور خواهید کاست. اکنون که اکثریت شما حاضر انتخاب و عده‌ی زیادی هم در پایتخت کشور حاضر گشته‌اید چرا در افتتاح مجلس که انتظارش را می‌برد تأخیر و مسامحه می‌نمایید. چرا دستی را که از طرف ماست به سوی شما دراز گردید، می‌خواهد شما را در برابر مداخلات و اعمال غرض‌ها بیش‌رمانه دلالان مزدور و عوامل پست و بدفطرت دیکتاتوری مساعدت و یاری کند نمی‌پذیرید...

چرا خود را برای قطع ایادی پست خائنین که سند آزادی و حریت ما را در دوره حکومت گذشته پاره کرده‌اند مهیا و آماده نمی‌کنید؟ شما اگر تعطیل مشروطیت ادامه و اطلاع‌ی فترت خودداری از افتتاح مجلس را به چیزی نگرفته و برخلاف قانون اساسی نشمردید دیگر برای اصلاح این مرزو بوم به هیچکس امید و اعتمادی نمی‌توانیم داشت... .

ما امروز صریحاً اعلام خطر می‌کنیم و به شما نمایندگان که می‌روید وارد عرصه سیاسی و اداره

کشور شده و در برابر اعمالی که برخلاف مصالح ایرانیست می‌خواهید از منافع و سعادت ما دفاع کنید تذکر می‌دهیم که در دنیایی غیر از آنچه در برابر دیدگان شماست، در دنیایی نهفته در زیر هزاران پرده و ریا، در دنیایی نهائی و پر از دسائس و غرض‌ورزی‌ها جمعی از اعمال پست و خطرناک دیکتاتوری کوشا هستند که از افتتاح مجلس جلوگیری کنند و بدین‌وسیله ادامه فترت را برای تحمیل مقاصد سوء و اجرای نیات پلید خویش آرزو می‌کنند... اگر شما با تسریع در افتتاح مجلس بنای آرزوی خام و خطرناک آنان را از هم فرو نریزید آنوقت به خودی خود و بی‌آنکه روح و قلب شما آگاه باشد آنان را در اجرای مقاصد و نیات سوء خویش یاری و معاشرت کرده و به دست شما ضربات نوینی بر پیکر نحیف و مجروح ایران وارد آمده است...

ای نمایندگان مجلس چهاردهم! امروز ملت ایران و دنیای متمدن ناظر اعمال شما است اگر نتوانستید خیانتکاران و دیکتاتوری‌های کاریکاتوری که پشت پرده، مشغول دسیسه بر علیه شما می‌باشد خرد نموده هر اراده ملی که خواهان برقراری اصول دموکراسی و حفظ مبانی مشروطه است به موقع اجرا بگذارید لیاقت ملت ایران را برای استقلال و آزادی در انظار دنیای متمدنه به اثبات خواهید رسانید... و بر خیزید و به دنیای متمدنه و ملت ایران ثابت نمایید که وکلای دوره‌ی چهاردهم قره‌نوکر و از عناصر بله‌قربان صفت تشکیل نگردیده و دسائس عناصر دیکتاتور پرست را همین حالا بر علیه مجلس شورای ملی و اساس حکومت ملی ما مشغول دسیسه و تحریک می‌باشند. با مشت اراده ملت ایران خوب جواب خواهند داد (روزنامه آژیر، ۱۳۲۲: شماره ۲۴).

- آبستراکسیون در مجلس چهاردهم

یکی از پر تنش‌ترین حوادث مجلس چهاردهم آبستراکسیون اقلیت بود. این آبستراکسیون مبنی بر سوابق بود، پیش از این اکثریت مجلس دولت بیات را که مورد حمایت اقلیت بود طرد و برکنار کرد و به ابراهیم حکیمی ابراز تمایل نمود، حکیمی چون غافل از این بود که تمایلات زعمای اکثریت مجلس را در انتخاب همکاران خود رعایت کند پس از بیست روز معطلی کنار رفت نمایندگان اکثریت پس از کنار گذاشتن حکیمی باهم سازش کردند و بدون دعوت اقلیت یا منفردان شصت نفر در مجلس گرد آمده به زمامداری صدرالاشرف ابراز تمایل نمودند. (خامه ایی، ۱۳۷۷: ۲۹۱) در حالی که مطابق نظامات مجلس هنگامی تصمیمات مجلس معتبر بود که در موقع شروع مذاکرات لااقل دو ثلث اعضاء مجلس و در هنگام اخذ رأی سه چهارم اعضاء مجلس حاضر می‌شدند ولی اکثریت در مورد ابراز تمایل به

صدرالاشرف خلاف این اصول عمل کردند. نمایندگان اقلیت و منفردین مدعی شدند که اکثریت حقیقی برای آن‌ها قائل نیست. به همین دلیل، صفتی قوی که از تشکیل جلسه علنی مجلس جلوگیری کند، بوجود آمد و نمایندگان متنفذی چون دکتر مصدق، سردار فاخر، قائم مقام رفیع، جواد عامری، دکتر زنگنه، دکتر معظمی، علی اکبر فریور به این صف اقلیت پیوستند. (سمیعی اصفهانی، ۱۴۰۱: ۶۲) اقلیت در روز ۲۳ خرداد بیانیه‌ای در روزنامه‌ی اطلاعات انتشار داد و دلایل خود را برای آغاز آستراکسیون به اطلاع عموم رسانید. پس از صدور بیانیه‌ی اقلیت، در تاریخ ۲۷ خرداد، صدرالاشرف شرحی به طباطبایی نوشت و تشکیل جلسه علنی مجلس را برای تقدیم و تصویب لوایح ضروری دولت درخواست نمود، طباطبایی نامه رئیس دولت را به وکلای اقلیت ابلاغ کرد از طرف اقلیت شرحی به امضای دکتر مصدق و سردار فاخر به طباطبایی نوشته شد و در عین حال که تصمیم خود را با ادامه آستراکسیون تاکید کردند از طباطبایی خواستند که به صدر اطلاع دهد قبل از معرفی دولت به مجلس از اتخاذ تصمیماتی که در حدود یک دولت قانونی است خودداری کند در این میان در جلسه پنجم نیز اقلیت دلایل مخالف خود را با دولت توضیح داد و از آن پس بود که تشکیل جلسه علنی بواسطه ادامه آستراکسیون ممکن نمی‌شد. (ابراهامیان، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸)

وجود آستراکسیون، نتایج مثبت و منفی را برای اقلیت و همچنین برای اکثریت به همراه داشت. (چلونگر، ۱۳۸۲: ۱۸۹) بطوریکه در دوره صدر نخست وزیر از عدم حضور اقلیت در جلسات مجلس استفاده کردند و موفق شدند انتخابات دوره پانزدهم را تا تخلیه خاک ایران از قوای متفقین به تعویق اندازند و همچنین صدر موفق به ارائه چند خدمت مهم به انگلیسی‌ها شد. انگلیسی‌ها انعقاد موافقت نامه‌ای بین وزارت دارایی و بانک شاهنشاهی ایران را مدیون او بودند چرا که در جهت منافع آنان و از اهمیت زیادی برخوردار بودند. با این حال اکثریت موفق نشدند به بسیاری از خواسته‌های خود از جمله نگه داشتن صدر بر مسند قدرت دست یابند. اما سرانجام نمایندگان اقلیت توانستند علاوه بر جلوگیری از تحکیم کابینه صدر، خود را که از فراگردهای سیاسی به حاشیه رانده بودند دوباره به صحنه وارد کنند. در دوره نخست‌وزیری قوام آستراکسیون بیشترین نفع را به شخص نخست‌وزیر رساند چرا که او توانست در نتیجه آستراکسیون هوا دارانش همچنان در دوران فترت نخست‌وزیر باقی بماند. صرف نظر از آنچه اکثریت و اقلیت به دست آوردند یا از دست دادند بدون شک وقت زیادی به هدر داده شد و مجلس نتوانست وظیفه قانون‌گذاری خود را به گونه‌ای مثبت و مؤثر انجام دهد. (معینی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۳)

- فراکسیون‌ها در مجلس چهاردهم

فراکسیون‌های ایجاد شده در شروع به کار مجلس چهاردهم، به اقتضای منافع شخصی تشکیل می‌شد و به همین دلیل هم افراد در آن‌ها کم یا زیاد می‌شدند. با این حال، این فراکسیون‌ها در بین نمایندگان خودشان وحدت نظر نداشته و مواضع آن‌ها بصورت دقیق و شفاف، مشخص نبود. در نتیجه کشمکش‌های سختی بین مجلسیان با یکدیگر و بین دولت‌ها و مجلس به وجود می‌آمد. مجلس چهاردهم دارای ۱۲۸ نماینده بود، که همه آن‌ها در بین هفت فراکسیون موجود پخش شده بودند. این فراکسیون‌ها به شرح زیر است که ائتلاف‌های همواره در حال تغییر میان این هفت فراکسیون مجلس چهاردهم را به محیط پیچیده‌ی چانه‌زنی سیاسی تبدیل کرد، و در نتیجه طی دو سال بعدی ۷ نخست‌وزیر، ۹ کابینه و ۱۱۰ وزیر بر سر کار آمدند. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۸۷)

فهرست فراکسیون‌ها

۱- فراکسیون اتحاد ملی (رهبر: سیدمحمد صادق طباطبایی، تعداد اعضا: ۲۳ نفر) (دستی، بی‌تا، ۲۳۵)

فراکسیون ملی: این فراکسیون کمتر از سی نماینده را شامل می‌شد. گرچه این فراکسیون نسبت به مجلس پیشین هواداران بسیاری را از دست داده بود اما پشتیبانی چهار نماینده برجسته زیر را بدست آورده بود: عزت‌الله بیات نماینده و عضو خانواده بیات اراک، ناصر ملی اردلان بزرگ خاندان خانواده‌ای لقب‌دار و زمین‌دار در کردستان، دولت‌آبادی نماینده محافظه کار اصفهان، سید محمد طباطبایی رئیس فرقه اعتدالیون در سالهای ۱۲۹۰ و فرزند مجتهد معروف مشروطه خواه، این فراکسیون از بیست زمین‌دار، چهار کارمند، سه رهبر مذهبی، دو بازرگان و یک حقوق‌دان، همه‌ی آن‌ها در زمان رضا شاه کار و بار خوبی داشتند. فراکسیون ملی در سیاست داخلی همواره خواهان تقویت شاه و تقویت ارتش بود و در سیاست خارجی مخالف نفوذ شوروی بود و به انگلستان هم تمایل نداشت و از هر دوی آنها، انگلیس و شوروی، هراس داشتند و در برابر دشمن دیرین خواهان نزدیکی به آمریکا بودند. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۸۰)

سیزده تن به طور منظم نماینده مجلس بودند. چهارده تن دیگر از کارمندان عالی رتبه رضا شاه بودند، سه تن نیز از طریق طراح‌های اقتصادی رضاشاه به ثروت هنگفتی رسیده بودند همچنین بیشتر آن‌ها از حوزه‌هایی نامزد شده بودند که انتخابات آن حوزه‌ها در دست فرماندهان ارتش قرار داشت. با گشایش مجلس چهاردهم به نظر می‌رسید که نگرانی‌ها در شاه وجود داشت و این نگرانی‌ها بی‌دلیل نبوده زیرا هر چند مجلس جدید از لحاظ ترکیب اجتماعی همانند مجالس پیشین بود حضور نماینده جدید در مجلسی با ۱۲۰۶ نماینده، ترکیب سیاسی آن را تغییر می‌داد. فراکسیون سلطنت طلب اتحاد ملی نه تنها

موقعیت مسلط خود را از دست داده بود بلکه اکنون در محاصره شش گروه مخالف دیگر ذیل قرار گرفته بود. فراکسیون دموکرات، فراکسیون میهن، فراکسیون آزادی، فراکسیون مستقل، فراکسیون توده و فراکسیون منفردین. فراکسیون آزادی (رهبر: محمد ولی میرزا فرمانفرمائی، تعداد اعضا: ۱۱ نفر)

۲- فراکسیون مستقل (رهبر: علی دشتی، تعداد اعضا: ۱۵ نفر)

شامل ۱۵ عضو بودند که کاملاً متفاوت از حزب توده بود و اعضای آن وارثان فراکسیون عدالت مجلس سیزدهم بودند به دو دلیل عمده عنوان پارلمانی خود را تغییر دادند. این فراکسیون به رهبری دشتی، دولت‌مرد غیر اشرافی گروه برای نشان دادن عدم وابستگی فراکسیون به شاه و طبقه‌ی بالای زمین‌دار اهمیت زیادی قائل بود. همچنین از آنجا که اعضای فراکسیون کرسی‌های خود را مدیون سهیلی طرفدار آمریکا بودند خود را مستقل از انگلیس و اتحاد شوروی قلمداد می‌کردند این فراکسیون با پیوستن عباس مسعودی سردبیر روزنامه با نفوذ اطلاعات به آن تقویت شد. فراکسیون مستقل را در بیرون از مجلس نیز حزب عدالت و نشریات پرنفوذ آن پشتیبانی می‌کردند. بیشترین افراد این کمیسیون تحصیل‌کردگانی بودند که در زمان رضاشاه مشاغل بالای دولتی در اختیار داشتند اما به تدریج از شیوه‌های مستبدانه‌ی وی به هراس افتادند و از او فاصله گرفتند به نظر آبراهامیان، دشتی یکی از اصلی‌ترین منتقد پارلمانی دربار بود و همیشه به شاه جدید هشدار می‌داد در سیاست دخالت کند تاج و تختش را از دست خواهد داد. (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۲۰)

۳- فراکسیون میهن (رهبر: دکتر هادی طاهری، تعداد اعضا: ۲۴ نفر)

تعداد ۲۰۶ نماینده را شامل می‌شد که بیشتر آن‌ها نماینده حوزه‌های انتخاباتی تحت نفوذ انگلیس بودند. رهبران این فراکسیون با مدنی، نمازی و طاهری همان رهبرانی که در مجلس سیزدهم نیز حضور داشتند. اعضا در مجلس چهاردهم اکنون از پشتیبانی سه تازه وارد مهم برخوردار بودند به نامهای: سید ضیاء سیاستمدار طرفدار انگلیس از یزد، امامی، کارخانه‌داری از اصفهان، فاطمی نماینده نجف آباد، این گروه از سیزده زمین‌دار پنج تاجر که اغلب با انگلیس روابط تجاری داشتند سه روزنامه نگار، سه کارمند دولت، یک حقوقدان و یک شخصیت مهم مذهبی تشکیل می‌شد. (اشرف، ۱۳۸۷: ۲۲۱)

۴- فراکسیون حزب توده (رهبر: دکتر فریدون کشاورز، تعداد اعضا: ۶ نفر)

متشکل از روشنفکران جوان بودند و تعداد هشت نماینده در این فراکسیون حضور داشتند. پنج تن از این هشت نفر از جمله دو اشراف زاده نامبرده را رضا شاه به جرم حمایت از مارکسیسم زندانی کرده بود. به جز فداکار همه این نمایندگان از استان‌های شمالی انتخاب شده بودند. اما آنان کرسیهای

خود را بیشتر مدیون رأی دهندگان اتحادیه‌ها و زمین‌داران طرفدار شوروی همچون احمد قوام و ابوالقاسم امینی بودند تا مقامات شوروی. گرچه فراکسیون توده همانند حزب توده نمی‌خواست با درگیر شدن در بن‌بست‌های پارلمانی از فعالیت‌های سیاسی در بین توده‌ها غافل بماند. از مجلس هم به عنوان نهاد قانون‌گذاری اجتماعی و جایگاه تبلیغاتی کاملاً بهره‌برداري کرد. سه نشریه اصلی حزب مردم، رهبر، رزم، که هر سه اعضای فراکسیون منتشر می‌کردند از نزدیک رخدادهای روزانه آشفته و پیچیده مجلس چهاردهم را دنبال می‌کردند. افزون بر این حزب توده در تیر ماه ۱۳۲۲ سیزده سردبیر را در قالب جبهه‌ی آزادی، برای مبارزه با ارتجاع طبقاتی و دیکتاتوری سلطنتی متحد کرد. این جبهه در بهمن ۱۳۲۲ چنان گسترش یافته بود که بیش از بیست و هفت سردبیر روزنامه‌های کشوری و استانی را در برمی‌گرفت. (دشتی، بی تا: ۲۳۸)

۵- فراکسیون دموکرات (رهبر: دکتر محمد مصدق، تعداد اعضا: ۸ نفر)

شامل ۱۱ نماینده بود که اعضای کمیسیون میهن نیز با آنان همکاری نزدیکی داشتند. دموکرات‌ها را که نزد مخالفان به فراکسیون عشایر معروف بودند سه نماینده رهبری می‌کردند. صولت قشقایی، عباس قبادیان، رئیس طایفه کرد کلهر در کرمانشاه که پانزده سال در زندان به سر برده و بیشتر زمین‌های خانوادگی خود را از دست داده بود و مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) وزیری که توسط رضا شاه برکنار و اکنون با کمک طوایف ساکن سیستان به نمایندگی مجلس چهاردهم انتخاب شده بود. دموکرات‌ها طبیعتاً به دنبال این گونه علائق و منافع مشترک خود بودند با حفظ امتیازاتی که عشایر از سال ۱۳۲۰ بدست آورده بودند، بازگرداندن زمین‌های از دست رفته حق حمل سلاح و کوچ‌های سالانه همانند روزهای خوب گذشته بهبود موقعیت پشتیبانان آن‌ها در ادارات دولتی محلی و جبران سختی‌های ناشی از اجبار آنان به ترک شیوه زندگی ایلی در دوره رضاشاه و در حالی که بیشتر اعضای فراکسیون‌های میهن و دموکرات از نواحی تحت اشغال انگلیس بودند تقریباً همه افراد فراکسیون آزادی از حوزه‌های تحت اشغال شوروی انتخاب شده بودند. اعضای این گروه را که جانشین فراکسیون آذربایجان بودند همان اشراف شمالی رهبری می‌کردند: فرمانفرما، امیرنصرت اسکندری و احمد قوام که بیرون از مجلس بود ابوالقاسم امینی یکی از تازه واردان گروه خویشاوند نزدیک آخرین پادشاه قاجار بود. امینی پس از اینکه فعالیت سیاسی را به اجبار رضا شاه کنار گذاشت در تجارت خصوصی به کامیابی‌هایی دست یافت و سپس در سال ۱۳۲۰ با انتشار روزنامه امید دوباره به صحنه سیاست بازگشت. روزنامه امید در دوره مجلس چهاردهم ارگان غیر رسمی فراکسیون آزادی بود. (سبحانی، ۱۳۸۰: ۵۴)

۶-فراکسیون منفردین (رهبر: دکتر محمد مصدق، تعداد اعضا: ۳۰ نفر)

ائتلاف سستی بود که از تعداد حدود شانزده نماینده که معمولاً از رهبری مصدق به ویژه در مورد مسائل خارجی و موضوعات مربوط به قانون اساسی پیروی می‌کردند، تشکیل شده بود. نزدیک‌ترین افراد به مصدق پنج نماینده حزب ایران و دو رهبر حزب همراهان بودند. دیگر افراد نیز نمایندگان غیر حزبی بودند که از حوزه‌های انتخابی شمال کشور به مجلس راه یافته بودند. بیرون از مجلس فراکسیون منفردین از جانب روزنامه‌های مستقل زیر حمایت می‌شد: مظفر با سردبیری حسین کی استوان نظریه‌پرداز سیاست موازنه منفی، مرد امروز ما به سردبیری محمد مسعود که سرانجام به دلیل نوشتن مقاله‌های جنجال برانگیز و در دسر آفرین کشته شد و کیهان رقیب اصلی اطلاعات به عنوان مهمترین روزنامه غیر حزبی کشور. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۳۰۰-۳۲۰)

در نهایت این هفت کمیسیون مجلس و متحدین آن‌ها در بیرون از مجلس در مسائل مهم خارجی، اجتماعی و قانونی با یکدیگر اختلاف نظرهای فراوانی داشتند به خصوص پس از آغاز جنگ سرد فراکسیون‌های دموکرات و میهن از طرفداران انگلیس و فراکسیون توسعه و آزادی از طرفداران اتحاد جماهیر شوروی همچنین فراکسیون‌های مستقل و اتحاد ملی نیز طرفدار ایالات متحده آمریکا بودند اما در این میان فراکسیون منفردین مستقل بودند در خصوص بسیاری از مسائل اجتماعی به ویژه ضرورت اصلاحات اساسی مورد نیاز فراکسیون‌های منفردین و توده و گاهی اوقات فراکسیون مستقل خواستار ایجاد تغییرات اساسی بودند اما فراکسیون‌های میهن آزادی و اتحاد ملی در جهت حفظ وضع موجود تلاش می‌کردند. فراکسیون‌های میهن، دموکرات، آزادی، توده، مستقل و منفردین در مورد مسائل مربوط به قانون اساسی به ویژه مشکل جدی در تعیین مقام اداره کننده نیروهای مسلح، همگی در برابر فراکسیون اتحاد ملی قرار داشتند (اشرف، ۱۳۷۲: ۲۵۰).

با وجود همه تنش‌های موجود دوره چهاردهم مجلس شورای ملی عادی و آرام افتتاح گردید و به کانونی برای حمله شدید به شاه مبدل گشت. در این میان فراکسیون‌های آزادی میهن دموکرات مستقل و منفردین همراه با نمایندگان حزب توده به آسانی و خیلی سریع فراکسیون اتحاد ملی را در انزوا قرار داده و خیلی زود مراسمی را جهت سوگند جدید بر وظیفه هر نماینده در دفاع از حقوق قانونی مجلس تأکید کردند. نمایندگان همچنین، اسعد بختیاری از فراکسیون دموکرات و مدنی از فراکسیون میهن را به ترتیب به مقام رئیس و نایب رئیس مجلس انتخاب کردند. افزون بر این آنان مهمترین پست‌های کمیته‌های مهم مجلس را اشغال کردند، جایی که همه‌ی قوانین نخست در آنجا بررسی و اصلاح می‌شد

اعضای فراکسیون ملی، فقط پنج کرسی از هجده کرسی کمیته امور مالی، دو کرسی از شانزده کرسی، کرسی کمیته امور خارجی و دو کرسی از سیزده کرسی نظامی را بدست آوردند. کمیته نظامی که از لحاظ حفظ کنترل ارتش برای شاه ضروری بود شامل پنج رئیس عشایری بود که در دهه گذشته فشار حملات نظامی را تحمل کرده بودند. بدین ترتیب دشمنان ارتش تصمیم داشتند سرنوشت ارتش را تعیین کنند. (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۵۵)

۷-فراکسیون آزادی:

شامل ۲۰ نماینده بود که در میان آن بیست نماینده دوازده اشراف زمین‌دار، دو رهبر مذهبی که در زمان رضا شاه مورد تعقیب و آزار بودند و چهار تاجر شمالی که به تقویت روابط تجاری با شوروی امیدوار بودند حضور داشتند. یکی از دو تاجر نامزد بر این باور بودند که کشاورزان و بازرگانان ما ناامیدانه به بازار جهانی نیازمندند و چنین بازاری در شمال کشور وجود دارد بنابراین برای گسترش روابط با شوروی همکاری را که می‌توانیم انجام دهیم. حزب توده از دیدگاه‌های فراکسیون آزادی درباره‌ی مسائل خارجی و موضوعات قانون اساسی پشتیبانی می‌کرد. (دشتی، بی‌تا: ۲۴۵)

با توجه به مطالب گفته شده، این فراکسیون‌ها گردانندگان اصلی مجلس چهاردهم بودند که در بین خودشان وحدت نظر نداشتند و در نتیجه پس از آغاز کار این مجلس کشمکش‌های سختی بین دولت و مجلس و خود مجلسیان با یکدیگر بوجود آمد. (بدیع، ۱۳۷۹: ۷۸)

– نقش فراکسیون‌ها در تغییر نخست وزیران

در زمانی که کارها به صورت عادی در حال انجام شدن بودند جناحی که مخالف سلطنت بود حالت تهاجمی به خود گرفته و سهیلی را وادار به استعفا کرد. (خامه ایی، ۱۳۷۷: ۲۵۶) سهیلی به هیچ عنوان مورد علاقه دربار نبود در نتیجه نمایندگان سلطنت طلب و برخی از اعضای فراکسیون مستقل نیز نسبت به او بی‌اعتماد بودند و در نهایت رأی به استعفای سهیلی می‌دادند خیلی زود بعد از سقوط کابینه سهیلی نمایندگان از گروه‌های اصلی ضد دربار فراکسیون آزادی دموکرات میهن و همچنین مصدق از جانب فراکسیون منفردین بعد از ساعتها گفتگو و نشست درباره انتخاب محمد ساعد به توافق با یکدیگر رسیدند. (اشرف، ۱۳۷۷: ۲۵۷) ساعد به مدت ۱۲ سال در مقام دیپلمات حرفه‌ای در خارج از کشور خدمت کرده بود و فردی بود مستقل از دربار او همچنین مدتی سفیر ایران در مسکو بود و مورد پذیرش سیاستمداران طرفدار انگلیس و همچنین اشراف طرفدار شوروی نیز قرار داشت به طوری که

وزارت امور خارجه انگلیس بر این اعتقاد بود که او فردی محترم و قابل اعتماد می‌باشد و برخورد دوستانه و صمیمی با متفقین دارد اما نمی‌تواند در برابر نمایندگان ایستادگی کند با این وجود ساعد بعد از به دست آوردن رأی اکثریت مجلس و همچنین فرمان سلطنتی در ضمن مشورت نزدیک با تمامی فراقسیون‌ها به تعیین وزرا مشغول شد. (بروجردی، ۱۳۹۳: ۲۹)

در نتیجه این امر پست وزارت خارجه را برای خود و سه پست را به اعضای شمالی فراقسیون آزادی و یک پست را به فراقسیون مستقل و ۴ پست دیگر را به نمایندگان جنوبی فراقسیون میهن و دموکرات واگذار کرد. او سالها بعد چنین شکایت می‌کند که فراقسیون‌ها آنچنان در ترکیب کابینه دخالت می‌کردند که نظیر آن را در هیچ کجا ندیده بود در نهایت ساعد با وجود همه مشکلات و دخالت فراقسیون‌ها مجبور به کناره‌گیری از مقام وزارت شد در این میان بود که روزنامه‌های سلطنت طلب در اعتراض به نمایندگان این‌گونه بیان کردند که نمایندگان به دخالت مستقیم در انتخابات وزرا دارند که در نتیجه آن تفکیک قوا میان مقننه و مجریه نقض می‌شود این نخستین زرمه‌های انتقاد مجلس چهاردهم بود. (روحانی و ایزدی، ۱۳۸۸: ۱۱۴)

- نقش مجلس چهاردهم در تخلیه ارتش متفقین از ایران

وزیر امور خارجه وقت، آقای فرهودی، در مجلس شورای ملی در اظهارات خود به موضوع تقاضای دولت از متفقین راجع به ترک ایران و برقرار کردن مناسبات جدید بر پایه زمان صلح اشاره کرد و اینگونه بیان کرد: «ما با متفقین پیمان سه گانه داشتیم در روزهایی که جنگ به دروازه‌های ایران کشیده شد بود حالا حق اینست که دول متفق قبول کنند با شرایط جدیدی با ما رفتار کنند.» (علی صوفی، ۱۳۹۴: ۱۴۵)

آنچنان که بر اساس گزارشات که در روزنامه اطلاعات که در شماره ۵۷۷۳ که در تاریخ ۸ خرداد سال ۱۳۲۳ منتشر شد، چنین می‌خوانیم:

«دولت در این خصوص موضوع تازه‌ای به میان نیاورده است این موضوع یعنی تخلیه و ترک ایران در ماده پنجم قرارداد سه جانبه نوشته شده است. در اینجا آقای فرهودی ماده پنجم قرارداد را خواند. آقای فرهودی در خصوص کلمه شرکای آلمان و ایتالیا بود که از پای درآمد شریک دیگر ژاپن بود (نمایندگان خیر در آنوقت ژاپن داخل در جنگ نبود) به هر جهت اگر ژاپن هم شریک حساب شود از آنجایی که خودش مقررات قدیمی که با آلمان داشت لغو کرده است و خود را از قید مقررات آزاد

کرده است بنابراین شریک آلمان محسوب نمی‌شود. (نمایندگان صحیح است). (روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۳: شماره ۵۷۷۳)

اعلامیه زمامداران متفق - بنده امروز از آقایان نمایندگان محترم مجلس اجازه می‌خواهم ترک اولائی که شده است امروز جبران شود و اعلامیه سران متفق را به مناسبت اینکه موقع اجرای بند پنجم قرارداد رسیده است از روی کتابی که وزارت امور خارجه منتشر کرده قرائت کنم (آقایان نمایندگان بخوانید، بخوانید) سپس آقای فرهودی اعلامیه دول متفق را درباره ایران شرح ذیل خواندند. اعلامیه‌ی سه دولت راجع به ایران مورخه اول دسامبر ۱۹۴۳ رئیس جمهور کشورهای متحده آمریکا، نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی، نخست وزیر ممالک متحده انگلستان پس از مشورت بین خود و وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت راجع به مناسبات خود دولت‌های کشورهای متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان کمک‌هایی که ایران در تعضیت جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسایل حمل و نقل و مهمات از ممالک ماوراء بحار به اتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند به دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی برای ایران فراهم آورد. و موافقت دارند با در نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی بر آن‌ها تحمیل می‌کند و کمی وسایل حمل و نقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر حوائج کشوری کمک‌های اقتصادی خود را تا حد امکان به دولت ایران ادامه دهند. راجع به دوره بعد از جنگ دول کشورهای متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان جنگ ایران با آن مواجه باشد از طرف کنفرانس‌ها یا مجامع بین‌المللی که برای مطالبه‌ی اقتصادی بین‌المللی تشکیل یا ایجاد شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد. دولت‌های کشورهای متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی، ممالک متحده انگلیس در حفظ استقلال ایران و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظر دارند و به مشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ بر طبق اصول منشور آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.

پس از آن سخنران اصل ۱۰۶ متمم قانون اساسی را به شرح زیر قرائت کردند. (اصل ۱۰۶ هیچ قشون نظامی خارجه به خدمت دولت ایران قبول نمی‌شود و در نقطه‌ای از نقاط مملکت نمی‌تواند اقامت یا عبور کند مگر به موجب قانون)

و از آن نتیجه گرفتند که وجود قوای خارجه در ایران بدین ترتیب دیگر موردی ندارد و

خوشبختانه دولت هم این موضوع را در نظر گرفته است و اجرای آن را پیش‌بینی نموده است... چندروز است که شرف حضور آقایان را در اینجا داشته‌ام می‌بینم که بیشتر آقایان نمایندگان در خصوص عزیمت قوای بیگانه از ایران تذکراتی می‌دهند لازمست عرض کنم در این خصوص وزارت امور خارجه سه مراسله تهیه شده است یکی به عنوان سفارت کبری دولت شوروی و یکی هم به سفارت کبری انگلیس و دیگری هم به عنوان سفارت کبری ایالات متحده آمریکا که در این نامه‌ها تقاضا کرده‌ایم چون جنگ اروپا خاتمه یافته است لازم است در این کشور اوضاع عادی برقرار شود و اوضاعی که در نتیجه جنگ حاصل شده است برداشته شود و تغییر یابد. لذا از متقاضیان تمنا داریم که چون اوضاع احتیاجی بماندن قشون‌شان در این کشور نیست (نمایندگان صحیح است صحیح است) ایران را ترک کنند (نمایندگان صحیح است صحیح است) « (روزنامه اطلاعات - سال نوزدهم - شماره ۵۷۳۳ سه‌شنبه هشتم خرداد ۱۳۲۳)

تصمیم قانونی راجع به تشکیل کمیسیون ۵ نفره برای تحقیق و رسیدگی شایعاتی که نسبت به بعضی از نمایندگان ما می‌دهند.

نظر به اینکه شایعاتی دائر به مداخله بعضی از نمایندگان مجلس شورای ملی در برخی از معاملات راجع به کالاهای انحصاری و اقدام برای تحصیل اجازه ورود پاره اجناس و غیره سوءاستفاده از مقام خود به منظور انتفاع مادی در جراید انتشار می‌یابد و نظر به ملزوم تحقیقات در اطراف شایعات و اتخاذ تصمیم شایسته نسبت به کسانی که در صورت ثبوت شایعات مزبور مسئول و مستحق تعقیب خواهند بود. مجلس شورای ملی طبق اصل ۳۳ از متمم قانون اساسی کمیونی ۵ نفره از نمایندگان با انتخاب مجلس تشکیل و مأمور می‌کند که تحقیقات جامع الاطرفی به عمل آورده و گزارش لازم را از تاریخ اتخاذ این تصمیم در ظرف یک ماه به مجلس شورای ملی تقدیم نماید. دولت مکلف است کلیه اسناد و اطلاعات و وسایل تحقیق را در اختیار کمیسیون بگذارد.

تبصره: مورد اتهام منحصر به اجناس انحصاری نبوده و به هر اتهامی که مبنی بر سوء استفاده مادی است رسیدگی شود. تصمیم قانونی در جلسه بیست و هفتم دی ماه یک هزار و سیصد و بیست و سه به تصویب مجلس شورای ملی رسید. (رئیس شورای ملی - سید محمدصادق طباطبایی) (کی استوان، ۱۳۹۲: ۲۵۴-۲۵۵)

احزاب در مجلس چهاردهم

در مجلس چهاردهم احزاب به صورت زیر بودند که در ادامه به بررسی هر کدام خواهیم پرداخت:

- حزب توده

این حزب با اتحادیه‌هایش تنها حزب کشور بود که توانست به عنوان یک نیروی نوین جدی در انتخابات عمومی که سرشار از سردرگمی، رقابت و پیچیدگی بود شرکت کند. (ابراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۳۱)

اولین کنگره حزب توده به مدت ده روز از دهم تا بیستم مرداد ماه ۱۳۲۳ تشکیل گردید. در این کنگره ۱۶۸ نفر از فعالان حزب به نمایندگی از سوی ۲۵۰۰۰ عضو رسمی در ۸۰ کمیته محلی و ۱۲ کمیته منطقی‌های شرکت داشتند. یکی از وظایف عمده‌ی کنگره عبارت بود از تصویب مرامنامه و برنامه حزب که تا آن زمان جنبه موقتی داشت. اصل اول مرامنامه حزب چنین تعریف شده بود: حزب توده، ایران حزب طبقات و ستمکش یعنی کارگران و دهقانان و بی‌شهران و روشنفکران آزادی‌خواه است. اصل دوم می‌گفت حزب طرفدار استقلال و حاکمیت ایران است و بر علیه هر دو گونه سیاست استعماری تحمیل شده به کشور مبارزه می‌کند. اصل سوم هواداری حزب را از همکاری دوستانه با کلیه کشورهای صلح دوست بر شالوده برابری همه ملل و حفظ صلح جهانی اعلام می‌داشت. اصل چهارم خواستار ایجاد یک حکومت ملی و رژیم دموکراسی واقعی بود. اصل پنجم اعلام می‌کرد که حزب با آثار اقتصادی رژیم‌های کهن اجتماعی مانند فئودالیسم و اقتصاد شبانی مبارزه می‌کند و هوادار یک نظام اقتصادی متمرکز و مترقی است که مبنی بر حفظ منافع اکثریت مردم ایران باشد. حزب در برنامه قانون‌گذاری خود که چندماه بعد از سوی سخنگوی پارلمانی حزب به مجلس تقدیم شد خواستار انجام حداقل اقدامات زیر شده بود: (شجیعی، ۱۳۷۲: ۱۸۷)

- گذاراندن قانون کار جهت تنظیم روابط کارگر و کارفرما
- تجدیدنظر در قانون استخدام کشوری بر مبنای شایستگی افراد و حقوق برابر در ازای کار برابر
- وضع قانون جدید انتخابات به منظور تعیین مجدد کرسی‌های مجلس ثبت نام رأی دهندگان و محدود کردن زمان شمارش آراء
- تجدیدنظر در قوانین مدنی و جزایی و حمایت از یک قوه قضاییه مستقل
- وضع قوانین جدید برای کاهش وصول مالیات از افراد کم درآمد و تقویت انحصارات دولتی
- گذاراندن قوانین برای اصلاح نیروهای مسلح
- اجرای قانون موجود در زمینه تحصیل رایگان
- گذاراندن قوانین برای تأمین درمان بینوایان و روستائیان (پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه

با به پایان رسیدن کار کنگره مشکل استراتژی حزب برای آینده مستقیم آن رنگ قاطعیت به خود گرفت اگرچه حزب رسماً متعهد به حمایت از متفقین بود لکن هنوز می‌توانست آشکار اعلام نماید که امپریالیسم بریتانیا خصم اصلی حزب می‌باشد. از این رو حملات اصلی حزب متوجه کسانی شد که عمال بریتانیا به شمار می‌آمدند به ویژه گروه‌های سیاسی راستی به رهبری سیدضیاءالدین طباطبایی. (خامه ای، ۱۳۷۷: ۲۰۴)

حزب به منظور یک مبارزه قاطع با سیاستمداران هوادار انگلیس برنامه‌ای را طرح ریزی کرد تا حمایت تمام عیار خود را از تمامی نیروهای دموکراتیک به نام دفاع از نظام مشروطه پارلمانی به کاربرد زیرا که این نظام پارلمانی تنها مجرای قانونی به شمار می‌رفت که حزب می‌توانست در آنجا عملاً نفوذ کند (شکرانه و اخوان کاظمی، ۱۴۰۰: ۱۱). این وظیفه به گروه پارلمانی حزب در خارج از مجلس محول گردید. اکثریت نمایندگان مجلس هوادار کابینه‌های وقت بودند در حالی که نمایندگان اقلیت که خود را مرفقی می‌دانستند با کابینه‌های مصدر کار مخالفت می‌کردند. حزب در خارج از مجلس به تلاش‌های خود برای تهیه یک برنامه مشترک با کلیه گروه‌های مرفقی مخصوصاً حزب ایران ادامه داد. غالب اعضای حزب ایران از روشنفکران آزادی‌خواه و دارای تمایلات ناسیونالیستی بودند. (دشتی، بی‌تا: ۲۵۱)

در سه سال اول اشغال، آزادی سیاسی در تهران به مقدار قابل توجهی وجود داشت. روزنامه‌ها، احزاب گروه‌های سیاسی و جمعیت‌های مختلف بوجود آمدند. از این رو جای شگفتی نبود که انتخابات دوره چهاردهم مجلس در پاییز و زمستان ۱۳۲۲ نه تنها نشانگر حضور نیروهای سیاسی داخلی بود بلکه نفوذ جداگانه هریک از دو دولت اشغالگر (شوروی و انگلیس) را نیز نمایان می‌ساخت. اکثریت نمایندگان طرفدار شوروی از استان‌های شمالی ایران انتخاب شدند که تحت اشغال نیروهای شوروی بود. هشت تن از آن‌ها از حزب توده بودند. در سایر شهرها به جز شهر صنعتی اصفهان که در منطقه‌ی تحت اشغال انگلستان قرار داشت کاندیداهای حزب توده موفق نشدند. با اینکه استان‌های پرجمعیت شمالی ایران می‌توانستند تقریباً نیمی از ۱۳۶ کرسی مجلس شورای ملی را به دست آورند مع‌الوصف پیروزی بزرگی نصیب حزب توده نشد. در حوزه انتخابیه مازندران در انتخابات دوره ۱۴ مجلس شورای ملی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران آقایان: رحمانقلی خلعتبری، نورالدین کیانوری و ضیاءالدین الموتی کاندید شدند. پس از چند هفته تلاش و فعالیت انتخاباتی و طرفداری و حمایت آقای نوکیف کنسول شوروی از شخصی به نام رحمانقلی خلعتبری بالاخره وی از مازندران به

وکالت دوره ۱۴ مجلس شورای ملی انتخاب و ضیاءالموتی از کاندیداتوری خود صرف‌نظر و کیانوری هم شمال را ترک می‌کند. (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۸۳)

اکثر نمایندگان منتخب مجلس در سراسر ایران به خاطر گذشته اجتماعی و تحصیل آنان هوادار حزب و مخالف اشغال ایران از سوی شوروی و انگلیس بودند. (سینایی، ۱۳۸۴: ۵۹) در جریان غائله آذربایجان که یک سال پس از انتخابات پیش آمد معلوم شد که نمایندگان انتخاب شده از استان شمالی در واقع زیاد مخالف شوروی نبودند. جای هیچ‌گونه شکی نیست که شوروی‌ها به حیل‌های گوناگون دست زدند تا نمایندگان هوادار شوروی به مجلس راه یابند مقامات دولتی را تهدید به اخراج و اعمال فشار کردند تا بتوانند کاندیدایی را از فهرست کاندیداها حذف نمایند. در مورد کرسی پیشه‌وری کمونیست قدیمی که از تبریز انتخاب شده بود حمایت شوروی‌ها از وی به جایی نرسید در هنگام بررسی اعتبارنامه‌های نمایندگان در مجلس که بر حسب سستی آزمون قدرت مجلس بود، و مجلس به عنوان تنها داور درستی جریان انتخابات به شمار می‌آمد اولین شکست نصیب نیروهای چپ شد. (دشتی، بی تا: ۲۵۵)

– فراکسیون حزب توده در مجلس چهاردهم

مارکسیسم و بهتر بگوییم لینسم بنا به اصل بهره‌گیری از همه اشکال فعالیت مخفی و علنی مبارزات پارلمانی را نیز یکی از عرصه‌های مهم فعالیت خود می‌داند. حزب بلشویک روسیه در شرایط سال‌های پس از انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ م در انتخابات مجلس «دوما» شرکت کرد و موفق به تشکیل یک فراکسیون پارلمانی در دوما شد. در همان زمان مخالفین چپ رولنین خواهان فراخواندن نمایندگان بلشویک از مجلس‌گذاری بودند و لذا به گروه «آزویست‌ها» معروف شدند بعدها لینن در کتاب بیماری کودکی چیگرائی در کمونیست در مقابله با کمونیست‌های چپ آلمان که هرگونه شرکت در پارلمان‌های بورژوائی را محکوم می‌کردند. چنین نوشت:

ما بلشویکی‌ها در ضد انقلابی‌ترین پارلمان‌ها شرکت کرده‌ایم و تجربه نشان داده است که چنین شرکتی نه تنها مفید بلکه حزب پرورستاری انقلابی ضروری هم بود. از دیدگاه لینن شرکت در پارلمان‌های بورژوائی به عنوان یک ابزار علنی مبارزه سیاسی مطرح بود که باید در جهت ساختن توده‌ها و تبلیغ شعارهای سیاسی حزب مطرح بود... در رابطه با حزب توده نمی‌توان گفت که هدف این حزب از تشکیل فراکسیون توده در مجلس چهاردهم بهره‌گیری از پارلمانتاریسم مفهوم لیننی آن یعنی بعنوان تالینگ مبارزه علنی بوده است. جاه طلبی و سودای وزارت و وکالت و پارلمانتاریسم به معنای استراتژیک آن مسلماً سهم

بیشتری در این فعالیت رهبران مقام پرست حزب توده داشته است. (گازبوروسکی، ۱۳۷۱: ۸۸)

به هر روی رهبران حزب توده با چنین دست‌آویز ایدئولوژیک و با چنین سودهای میلیتاریسم در انتخابات چهاردهم شرکت جستند. مطالعه وضعیت کاندیداهای حزب توده در این انتخابات جالب است. حزب توده بیشترین نیروی خود را در انتخابات تهران صرف کرد و معروفترین چهره‌های خود را مانند سلیمان محسن اسکندری، رضا روستا، دکتر محمد بهرامی، دکتر مرتضی یزدی، نصرالدین الموتی از تهران کاندیدا نمود از میان این عده بیشترین آراء نصیب دکتر مرتضی یزدی با پنج هزار رأی در حالیکه آراء آخرین نفری که به مجلس راه یافت نفر دوازدهم دو برابر این رقم بود... ولی حزب توده موفق شد از سایر شهرهای کشور ۹ نماینده به مجلس اعزام دارد. از این میان بالاترین آراء نصیب تقی فداکار از اصفهان با سی هزار رأی شد درباره‌ی فداکار همانگونه که گفتیم آراء وی ناشی از محبوبیت شخصی او در مجامع کارگری اصفهان و حمایت برخی دولتمردان وابسته بود. ایرج اسکندری با ۵۲۰۰ رأی از ساری به مجلس راه یافت به گفته احسان طبری: جاه طلبی شدید ایرج او را واداشت که از فرصت استفاده کند و به وکالت و وزارت برسد و در مورد وکالت او قوام‌السلطنه با توصیه او به دوستانش در مازندران کارش را تسهیل کرد. سایر نمایندگان توده‌ای عبارت بودند از: دکتر رضا دادمنش از لاهیجان ۱۹۷۳۴ رأی رحمانعلی خلعتبری از شهسوار ۷۷۷۹ رأی محمدپروین گنابادی از سبزوار ۸۳۱۹ ... آراء فوق با دخالت مستقیم ارتش سرخ تأمین شده بود. از این میان خلعتبری در کنگره‌ی اول (۱۱ مرداد ۲۳) از حزب توده اخراج شد و فراکسیون توده با ۸ عضو به فعالیت در مجلس ۱۴ پرداخت. سیدجعفر پیشه‌وری نیز با کمک ارتش سرخ از تبریز رأی آورده بود اعتبار نامه‌اش در مجلس مردود شد. باید گفت فراکسیون توده در مجلس چهاردهم حزب توده را در سطح جامعه معرفی کرد و مواضع سیاسی او را زیر ذربین افکار عمومی قرار داد. برخلاف نظریه لنین تربیون پارلمان نه تنها به رشد حزب توده در سطح جامعه کمک نکرد بلکه به نخستین گام در افشای ماهیت وابسته حزب توده بدل گردید. مواضع حزب توده در دو مسئله سیاسی روز در این افشاگری انزوا و منفوریت حزب توده به عنوان یک حزب وابسته به بیگانه سهم اساسی داشت.

مسئله نخست مسئله امتیاز نفت شمال بود که اتحاد جماهیر شوروی با اتکا به حضور نظامی خود در خاک ایران آن را حق طبیعی خود می‌شمرد در نتیجه هیاتی را به ریاست کافتارادزه (معاون وزیر امور خارجه) به تهران اعزام داشت. واقعیت این است که رجال دست پرورده انگلیس از جمله ساعد نخست وزیر وقت هیچ علاقه‌ای به دادن امتیاز فوق به همسایه شمالی نداشتند. و واقعیت این است که

رهبران حزب توده با ناشی‌گری عجیبی به دفاع از این امتیاز برخواستند و این درحالی بود که بیش از ورود هیأت شوروی دکتر رادمنش نماینده توده‌ای در سخنرانی خود گفته بود «بنده خواستم عرض کنم بنده با رفقایم با دادن امتیاز به دولت‌های خارجی به طور کلی مخالفیم همانطور که ملت ایران توانست راه آهن را خودش احداث کند بنده یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما می‌توانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج و شاید بتوانیم به موضوع بدبختی مردم این مملکت بهبودی بدهیم.»

این زمانی بود که زمزمه اعطای امتیاز نفت شمال از سوی دولت ساعد به شرکت‌های آمریکا-انگلیس مطرح بود. ولی زمانیکه درخواست دولت شوروی مطرح گردید فراکسیون حزب توده به مدافع سینه چاک اعطای امتیاز نفت شمال به بیگانگان بدل شد و حزب توده به تشکیل تظاهرات و دموکراسیون‌هایی در حیث منافع شوروی دست زد. دومین حادثه که در طول حیات مجلس چهاردهم رخ داد و مواضع فراکسیون توده سبب افشای بیش از پیش هیئت وابسته و دست نشانده حزب توده گردید غائله دموکرات‌ها در آذربایجان و کردستان بود. (حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی، بی‌تا: ۱۰۴-۱۰۷)

حزب همراهان

در جریان انتخابات در نواحی تحت اشغال انگلیس به فعالیت پرداخت و از ده نامزد که تحصیل کرده غرب بودند حمایت می‌کرد. (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۳۲)

حزب ایران

یک سازمان ملی غیرمذهبی بود و اعضاء آن را کانون مهندسين ایران تشکیل می‌داد که از پنج نفر اعضای خود و همچنین مصدق در انتخابات حمایت می‌کرد. (عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۲: ۱۱)

حزب عدالت

توسط علی دشتی و دادگر دموکرات کهنه کار و ابراهیم خواجه نوری روزنامه‌نگار رهبری می‌شد در مبارزه انتخاباتی هدفش مقابله با حزب توده بود. (دشتی، بی‌تا: ۲۷۱)

حزب اتحاد ملی

این حزب حامی نمایندگان سلطنت طلب بود که در سال ۱۳۲۳ نام خود را به حزب مردم تغییر داده بود. (حشمت زاده، ۱۳۷۹: ۵۱)

حزب وطن

توسط سیدضیاءالدین طباطبایی از سال ۱۳۲۲ تشکیل شد با انتشار روزنامه رعد امروز علیه کمونیست‌ها و بازمانده‌های خطرناک دیکتاتوری نظامی به فعالیت پرداخت و پنج ماه بعد اسم خود را

دوباره به حزب اراده ملی تغییر داد این حزب کاملاً با سیاست انگلیسی‌ها هماهنگ بود. (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۳۳)

- مهم‌ترین مصوبات مجلس چهاردهم شورای ملی

مهم‌ترین مصوبات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی که بین سالهای ۱۳۲ تا ۱۳۲۴ فعالیت می‌کرد به شرح زیر می‌باشد: (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۹۹-۳۰۰)

۱. تصویب قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد درباره امتیاز با بیگانگان
۲. تصویب خروج نیروهای آمریکا از ایران
۳. تصویب خروج نیروهای انگلیس از ایران
۴. تصویب لغو اختیارات دکتر میلپو رئیس کل دارایی مورخه ۱۸ دی ماه ۱۳۲۳
۵. تصویب قانون اجازه پرداخت آخرین حقوق مستخدمین کشوری و لشگری که از فروردین ۱۳۲۴ به بعد در راه انجام وظیفه کشته شده یا می‌شوند به وراث قانونی آنان و برقراری چند فقره مستمری

۶. تصویب تأمین اعتبار جهت هزینه طبع فرهنگ دهخدا

۷. تصویب منشور ملل متحد که در سانفرانسیسکو به امضا رسیده بود

۸. تصویب قانون لایحه قانونی سازمان وزارت بهداری

۹. تصویب قانون اجازه مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس منعقدۀ مربوط به تأسیس صندوق بانک بین‌المللی

۱۰. تصویب تصمیم قانونی دایر به قابل تعقیب بودن علی سهیلی (نخست وزیر سابق) به دلایل زیر:

- خرید قسمتی از ابزار و لوازم ساختمان از انبار و وزارتخانه خارجه.
- اعمال نفوذ و دخالت در انتخابات آذربایجان (دشتی، بی تا: ۳۳۱)

علاوه بر قوانینی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، در حدود هشتاد فقره قانون در زمینه‌های مختلف از جمله تصویب قانون مالیات بر درآمد، قانون اجازه پرداخت یک دوازدهم یا دو دوازدهم در ماه‌های مختلف قانون حدود اختیارات کمیسیون مجلس شورای ملی، تصمیم دائر به ابزار رأی اعتماد به کابینه‌های مختلف، قانون استخدام مهندسین و کارشناسان خارجی و تصویب قانون انتخابات دوره پانزدهم نیز در کارنامه این دوره از مجلس مشاهده می‌شود. (عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۲: ۱۴)

نتیجه‌گیری

همانطور که بیان شد، مجلس چهاردهم در ساعت ۱۲ روز بیست و یکم اسفند ماه سال ۱۳۲۲ آغاز بکار کرد و در تاریخ ۲۱ اسفند ماه سال ۱۳۲۴ نیز به کار خود پایان داد. با توجه به اینکه بین مجلس ۱۴ و مجلس ۱۵ یک دوره وقفه بوجود آمده بود به همین خاطر در ذهنهای بسیاری از نمایندگان از مسئله خطور کرده بود که تدبیری اندیشیده شود که در دوره فترت جلو سوء استفاده‌های دولت گرفته شود. در مقابل دولت به ویژه قوام‌السلطنه به این فکر بود که بدون هیچ مانعی بتوانند از این فرصت استفاده کنند. لذا دولت از ۱۵ اسفند آخرین روز مجلس عده زیادی از مردم را پیرامون مجلس گرد آوردند که این عده با اهانت از ورود نمایندگان به مجلس جلوگیری می‌کردند. گزارش این ایام از هتک حرمت به نمایندگان و آسیب جسمی به بعضی از آن‌ها حادثه کم نظیری در دوره‌ی مشروطیت به ثبت رساند.

دخالت سفارت شوروی در تهران در امر انتخابات بیشتر به این منظور بود تا پنجاه و پنج نفر نماینده از پنج استان تمامی کشور از میان کمونیست‌ها و دست نشانندگان دولت شوروی انتخاب شوند و به مجلس راه یابند. حزب توده هم کاملاً برای انتخابات مهیا و بسیج شده بودند. در ایالات شمال ایران مقامات سیاسی و نظامی شوروی کاندیداهای غیر کمونیست و یا آنهایی را که عضو حزب توده نبودند مورد آزار قرار می‌دادند و بسیاری را نیز بطور غیرقانونی بازداشت و زندانی کرد. و یا از محل سکونت و یا حوزه‌ی انتخابیه خود بیرون کردند. اما با تمام کوششهای صورت گرفته از جانب دولت شوروی، نتیجه‌ی انتخابات دوره‌ی چهاردهم برای آن‌ها کاملاً غیرمتظره و دور از انتظار بود، به این صورت که فقط هفت نماینده از استان‌های شمال و یک نماینده نیز از شهر کارگری اصفهان به مجلس راه یافتند.

دخالت دولت متخاصم انگلیس در امور داخلی ایران ابعاد وسیع و گسترده‌ای دارد. مقامات دولت انگلیس از هیچ پوششی برای انتخاب نمایندگان مورد نظر خود در مجلس چهاردهم فروگذار نمی‌کردند. انتخابات دوره سیزدهم بدلیل آنکه در آخرین روزهای سلطنت رضاشاه صورت گرفته بود، سفارت انگلیس در تهران امکان و فرصتی برای دخالت در آن نداشت، اما در دوره چهاردهم که در سال ۱۳۲۲ انجام می‌گرفت و وضعیت سفارت انگلیس گونه‌ای دیگر بود تمام تلاش دولت انگلیس این بود که مانع انتخابات افرادی شوند که با دشمنان آن‌ها شریک هستند و با آن‌ها همکاری می‌کنند.

فراکسیون‌های ایجاد شده در شروع به کار مجلس چهاردهم، به اقتضای منافع شخصی تشکیل می‌شد و به همین دلیل هم افراد در آن‌ها کم یا زیاد می‌شدند. با این حال، این فراکسیون‌ها در بین

نمایندگان خودشان وحدت نظر نداشته و مواضع آن‌ها بصورت دقیق و شفاف، مشخص نبود. در نتیجه کشمکش‌های سختی بین مجلسیان با یکدیگر و بین دولت‌ها و مجلس به وجود می‌آمد. مجلس چهاردهم دارای ۱۲۸ نماینده بود، که همه آن‌ها در بین هفت فراکسیون موجود پخش شده بودند. ائتلاف‌های همواره در حال تغییر، میان این هفت فراکسیون مجلس چهاردهم را به محیط پیچیده‌ی چانه‌زنی سیاسی تبدیل کرد، و در نتیجه طی دو سال بعدی ۷ نخست‌وزیر، ۹ کابینه و ۱۱۰ وزیر بر سر کار آمدند.

منابع

- اشرف، احمد؛ بنوعزیزی، علی (۱۳۸۷). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- اسکندری، عباس (۱۳۶۱). تاریخ مفصل مشروطیت ایران یا کتاب آرزو، تهران: نشر غزل.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲). زمینه اجتماعی سنت‌گرایی و تجددخواهی، ایران‌نامه، ۴۲.
- اطلاعات، ۲۹۱، مورخ ۲۲ آذر ۱۳۲۳.
- آبراهامیان، پرواندا (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، پرواندا (۱۳۷۸). ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز.
- بدیع، برتران (۱۳۷۹). توسعه سیاسی، ترجمه: احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- بروجردی، مهرداد (۱۳۹۳). روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، چاپ ششم، تهران: نشر فرزانه روز.
- تبرائیان، صفاءالدین (۱۳۷۱). ایران در اشغال متفقین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تقفی خراسانی، علیرضا (۱۳۷۵). سیر تحولات استعماری در ایران، مشهد: نشر نیکا.
- چلونگر، محمدمهدی (۱۳۸۲). کاپیتولاسیون در تاریخ ایران، تهران: نشر مرکز.
- جمعی از پژوهشگران (بی‌تا). حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی، چاپ سوم، تهران: انتشارات موسسه مطالعاتی و پژوهش‌های سیاسی.
- حشمت‌زاده، محمد باقر، (۱۳۷۹)، ایران و نفت، چاپ اول، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۷). خاطرات سیاسی پنجاه و سه نفر، تهران: نشر گفتار.
- دشتی، علی (بی‌تا). ایام مجلس، تهران: صفی‌علیشاه.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات پازنگ.
- روحانی، علیرضا و ایزدی، ابولفضل (۱۳۸۸). اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری
- سبحانی، عزت‌الله (۱۳۸۰). مصدق، دولت ملی و کودتا، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.

- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۴۰۱). دولت محدود؛ بازخوانی سیاست «سلطه و تغییر» در دوره پهلوی دوم بر پایه نظریه جول. اس میگدال. دولت پژوهی، ۸ (۳۰)، ۵۹-۹۲.
- سینایی، وحید (۱۳۸۴). دولت مطلقه نظامیان و سیاست در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹)، تهران: انتشارات کویر.
- شجیعی، زهرا (۱۳۷۲). نخبگان سیاسی در ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سخن.
- شکرانه، امید و اخوان کاظمی، مسعود (۱۴۰۰). واکاوی نقش بحران مشارکت در سقوط رژیم پهلوی دوم. دولت پژوهی، ۷ (۲۸)، ۱۹۱-۲۱۸.
- طبری، احسان (۱۳۵۶). جامعه ایران در دوره رضاشاه، بیجا.
- علی بابایی خامنه، فرزانه (۱۳۸۱). انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (۱۳۲۲ - ۱۳۲۱)، تاریخ معاصر ایران، ۲۲ و ۲۱.
- علی صوفی، علیرضا (۱۳۹۴). شوروی در ایران: از انقلاب سرخ (اکتبر ۱۹۱۷ میلادی) تا کودتای سیا (۱۹۵۳ میلادی / ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲)، تهران: انتشارات منشور سمیر.
- فرمانفرمائی، منوچهر (۱۳۷۷). خون و نفت خاطرات یک شاهزاده ایرانی، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- قاسمی، ابوالفضل (۱۳۵۴). خاندان‌های حکومتگر ایران، تهران: انتشارات رز.
- کی استوان، حسین (۱۳۹۲). سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم (دوجلدی)، جلد اول: ۱۳۵۵، نشر مصدق؛ جلد دوم، تهران: نشر روزنامه مظهر.
- کیهان، ش: ۱۷۷۱، مورخ ۷ اسفند ۱۳۲۷.
- گازپوروسکی، مارک. ج (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران، دوره اول تا شانزدهم (۱۳۲۸ - ۱۲۸۵)، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۲). سیاست‌گذاری ساختاری قدرت در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- معینی، زهرا؛ هاشمی، علی و احضری، حسین (۱۳۹۲). اسناد بهارستان، دوره جدید، ۱.